مشکل ویژه استقلال از کیست

مربیان زیاده‌خواه یا پزشکان کمال‌طلب؟

یادداشت
وصال روحانی

استقلال با داشتن چهار مصدوم «رباط صلیبی» رکورددار آسیب‌دیده‌ها در این زمینه دست‌کم در فصل نوزدهم لیگ برتر فوتبال کشور به حساب می‌آید. اگر مرتضی تبریزی جدیدترین قربانی در این زمینه است که باید ۸ تا ۹ ماه دور از صحنه بماند، پیش‌تر محسن کریمی، داریوش شجاعیان و رضا آذری هم دچار این سرنوشت تلخ شده بودند. چه چیزی از این ناامیدکننده‌تر که برای شجاعیان چپ‌پا و تکنیکی این دومین مرتبه آسیب‌دیدگی در این زمینه و در این ناحیه خاص و بشدت حساس از بدن به حساب می‌آید و محسن کریمی البته یک مصدوم ابدی است و در ازای انجام هر بازی و گلزنی احتمالی، معمولاً به مصدومیت‌های حداقل سه چهارماهه تن داده است و در پنج شش سال اخیر بیش از آنکه وی را در زمینه مسابقات دیده باشیم، روی تخت عمل جراحی و در کلینیک‌ها و حین بازپروری عضلات دیده‌ایم و پیکر نحیفش کمترین کمک را هم به وی ارزانی نداشته است. در عین حال مصدومیت رضا شکاری یکی از مستعدترین جوانان سال‌های اخیر فوتبال ایران و بلایی که هفته گذشته بر سر مرتضی تبریزی پس از دو سال بی‌فروغی در استقلال و انتقال فاجعه‌وارش از ذوب‌آهن به جمع آبی‌ها نازل شد، این سؤال بدیهی را به ذهن می‌آورد که ایرادات را باید در کجا جست‌وجو کرد؟ مربیانی که در هر شرایطی از بازیکنان تحت هدایت خود بهترین نمایش فنی را می‌خواهند و زیاده‌خواهی را از این طریق از حد گذرانده‌اند یا پزشکان تیم که کمال‌طلبی‌ها و چکاپ‌ها و مراقبت‌هایشان قطعاً در حد استاندارد و قابل قبول است اما ضعف ارتباطات‌شان با کادر فنی و یا هر عارضه دیگری سبب شده نتوانند بازیکنان تیم را در بهترین شرایط جسمانی به مربیان آبی‌پوش تحویل بدهند و معنا و پیامد این مکانیسم کج و معوج، بالا رفتن محسوس تعداد آسیب‌دیدگی‌ها در اردوگاه آبی‌ها بوده و سرآمدان این مصدومیت‌ها مردانی بوده‌اند که از ناحیه رباط صلیبی ویران شده و به قول امروزی‌ها «لای باقالی» رفته‌اند!

حرف، حرف ماست

حرف‌ها و اظهارنظرهای دو سوی ماجرا و به‌واقع متهمان این فرآیند منفی نیز به‌درستی مشخص نمی‌کند کدام‌یک درست می‌گویند و کدام مسائل سبب شده تیم استقلال در فصول اخیر و بخصوص همین فصل معوق مانده ۹۹-۱۳۹۸ این همه مصدوم طولانی‌مدت بدهد و دستش در پوست گردو بماند.

دفاع پزشکان استقلال از عملکردشان در ماجرای مصدومیت‌ها و اظهارات فرهاد مجیدی و دستیارانش در همین زمینه نشانگر این است که اختلاف و رویارویی در جمع آبی‌ها به «فرهاد مجیدی با مدیران» و «مدیران با یکدیگر» ختم نمی‌شود و در این تیم حتی پزشکان و مربیان نیز همسو با یکدیگر حرکت نمی‌کنند و از یک زاویه مشخص و واحد به موضوعات باشگاه و مسأله مصدومیت‌ها نگاه نمی‌کنند و هر یک خواسته‌ها و دیدگاه‌هایی دارند که چیزی به‌جز آنچه را که خود می‌پندارند، به آن وارد نمی‌کنند و حرف، فقط حرف خودآنهاست و چنین فرآیندی در دوره سرمربیگری فرهاد مجیدی پروسه تازه‌ای نیست زیرا او اصولاً آدمی متمرکز بر ایده‌های خود است و مشورت‌ها و نظرات دیگران او را هرگز جابه‌جا نمی‌کند.

اعصاب‌های خط‌خطی

استقلال فصل پرفراز و فرودی را سپری کرده است. نه‌تنها بروز بی‌رحمانه کرونا کل فوتبال کشور و به‌تبع آن استقلال را متضرر و ماه‌ها حاشیه‌نشین کرد، ندانم‌کاری‌ها نیز پدر این تیم را درآورده است. انبوه بدهی‌های نپرداخته به این و آن، آبی‌ها را هر هفته با خطر کسر امتیاز و محرومیت از پنجره‌های نقل‌وانتقالاتی مواجه ساخته و ماهی نیست که فیفا مجبور نشود یک نامه تهدیدآمیز دیگر به تهران بفرستد و در آن متذکر شود که یا در مدتی معین باید پول یکی از طلبکاران معترض و خارجی باشگاه را بدهند و یا حساب‌شان با عوامل انضباطی این نهاد و برخی تصمیم‌گیری‌های چکشی آنها خواهد بود. استفاده نصفه‌ونیمه و سرشار از استرس از سرمربی ایتالیایی تیم که پا به فرار گذاشت و سپس حقش را از مراجع ذی‌صلاح منجمله فیفا گرفت، با پیوند خوردن به دومین دوره سرمربیگری مجیدی در استقلال این سؤال بدیهی را به ذهن آورده که اگر فرجام و سرنوشت نهایی آبی‌ها چیزی به‌جز رویکرد به کاپیتان خوش‌منظر سابق‌شان نیست چرا با آوردن موقتی امثال آندره‌آ استراماچونی و پس از به توفیق رسیدن وی در سخت‌ترین شرایط زیر پای او را خالی و اعصاب هواداران خویش را خط‌خطی می‌کنند.

بهودی در راه نیست

وحدت رویه نداشتن در اکثر باشگاه‌های ما و در سطح مدیریت و مربیان آن وجود دارد، اما آنچه اینک در استقلال می‌گذرد افراط در ناهمگونی‌ها و اتخاذ تصمیم‌های مالی و بعضاً فنی ناصحیح و سپس کشیدن پای پزشکان تیم به میان در زمان وقوع اشتباهات بزرگ است؛ چیزی که رهایی و فرجی بر آن متصور نیست و هر آینه می‌تواند قوی‌تر و بد خیم‌تر شود و بهبودی به‌طور اصولی و ریشه‌ای را دست‌کم برای ادامه لیگ کرونازده نوزدهم گواهی نمی‌دهد.

شمسایی: برای ویلموتس پول هست برای فوتسال نه!

استقلال باید آبرومندانه به فوتسال برگردد

گفت‌وگوی اختصاصی
حمیدرضا عرب @hamidreza59arab

بازگشت استقلال به فوتسال شاید شور و شوق بیشتری را در این ورزش پرطرفدار ایجاد کند. استقلال تیمی بود که بازیکنان بزرگی از جمله وحید شمسایی که یکی از مفاخر فوتسال ایران، آسیا و حتی جهان است را به دنیای فوتسال معرفی کرد. استقلال تیمی داشت که در بازی‌های فوتسال تماشاگران بسیاری را به سالن‌های فوتسال می‌کشاند اما به‌دلیل ناتوانی برخی مدیران باشگاه استقلال در کنترل حواشی این تیم، سرانجام تیم فوتسال استقلال که افتخارات متعددی را به دست آورده بود منحل شد. حالا با روی کار آمدن احمد سعادتمند، خبر از بازگشت فعالیت دوباره استقلال در فوتسال به گوش می‌رسد و تردیدی نیست اگر چنین اتفاقی رخ دهد وحید شمسایی یکی از گزینه‌های قطعی مدیران باشگاه استقلال برای سازماندهی تیم جدید خواهد بود. شمسایی با کوله‌باری از تجربه که حاصل سال‌ها فعالیت در این حوزه است و افتخارات متعدد فردی و تیمی به احتمال زیاد در تیم جدید فوتسال استقلال نقشی کلیدی ایفا خواهد کرد. شمسایی اما عمیقاً اعتقاد دارد اگر قرار بر تشکیل و سازماندهی تیم جدید فوتسال استقلال است، باید همه جوانب در نظر گرفته شود و تیمی آبرومند راهی رقابت‌ها گردد.

فوتسال استقلال روزگاری در ایران آقایی می‌کرد و با معرفی استعدادهای درخشان یکی از مطرح‌ترین تیم‌های ایران و حتی آسیا بود. چه شد آن تیمی که بازیکنانی همچون تو را به دنیای فوتسال معرفی کرد ناگهان منحل شد؟

فقط انحلال استقلال ذهن من را آزار نمی‌دهد. درست است که بازیکن این تیم بودم و از استقلال به خیلی چیزها رسیدم اما وقتی به گذشته برمی‌گردم به این نتیجه می‌رسم که مدیریت غلط فوتسال ما مرگ و نیستی بسیاری از تیم‌های قهرمان را فراهم کرد. خیلی دوست دارم بدانم چرا تیم‌های قهرمانی همچون تام ایران خودرو، شن‌سا، فولاد ماهان، دبیری، شهید منصوری و خیلی از این دست تیم‌ها که حتی قهرمانی در آسیا را هم به دست آوردند، الان فعالیتی در فوتسال ندارند. مشکل فقط استقلال نیست که تماشاگران بسیاری را به سالن‌ها می‌کشاند و یکی از بهترین تیم‌ها بود، مشکل این است که فوتسال ما به‌خاطر مدیریت سراسر غلط، بسیاری از باشگاه‌های بزرگ خود را از دست داده است.

به‌خاطر این است زیرساخت‌های درآمدزایی ما مشکل دارد؟

همین‌طور است. ما در زمینه درآمدزایی مشکلات بسیاری داریم. اخیراً دوستانی با من تماس گرفتند و گفتند بیا با هم تیم فوتسال تشکیل دهیم اما من گفتم دوست ندارم تیمی تشکیل دهم که یکی دو سال فعالیت کند بعد انصراف دهد. دوست دارم تیمی داشته باشم که سال‌ها در فوتسال بدرخشد. فقط ورود به چرخه فوتسال مهم نیست، مهم این است که شما بتوانی این تیم و این باشگاه را حفظ کنی.

استقلال با آن همه عظمت چرا از فوتسال کنار کشید؟

اگر شما هم پاسخش را می‌دانید به من بگویید. برای خودم هم هنوز سؤال است که چرا آن استقلال باشکوه و بزرگ در عرصه فوتسال ناگهان کنار رفت و دیگر حتی اثری هم از این تیم نبود. ما بازیکنان بزرگی داشتیم. ۵، ۶ نفر از بازیکنان آن تیم جزو نوابغ فوتسال ایران و آسیا بودند. تیمی داشتیم که خیلی‌ها آرزویش را داشتند اما به دلایلی که نمی‌دانم چرا از بین رفت. من هنوز بابت آن تیم ذهنم مشغول است و به پاسخی درباره چرایی انحلال آن نمی‌رسم.

آن روزها می‌گفتند چون فوتسال حاشیه دارد و نمی‌توانند این حاشیه‌ها را کنترل کنند و برخی اتفاقات در سالن‌ها رخ می‌داد که احتمالاً بی‌ارتباط به مسائل روز سیاسی و اجتماعی دوران خودش هم نبود، تصمیم به انحلالش گرفتند.

کدام ورزش بدون حاشیه است؟ آیا شما ورزشی را می‌شناسید که حاشیه نداشته باشد؟ خیلی از باشگاه‌های بزرگ دنیا علاوه بر فوتبال در رشته‌های دیگر هم فعالیت می‌کنند و نتایج خوبی هم می‌گیرند؛ نمونه‌اش باشگاه بارسلونا یا بوکا جونیورز آرژانتین و خیلی از تیم‌های دیگر. به هر حال شما اگر بخواهی در رشته‌ای تیمداری کنی باید همه جوانب آن را هم در نظر بگیری. استقلال تیم ریشه‌داری در فوتسال بود و حالا که از گوشه و کنار می‌شنوم قرار است هم استقلال و هم پرسپولیس به فوتسال برگردند خوشحال می‌شوم اما از طرفی هم نگرانم.

چرا؟

دلیلش این است که در سال‌های گذشته مدیری آمده که از فوتسال خوشش می‌آمده و تیمداری کرده و بعد مدیر دیگری به‌جای آن مدیر می‌آید و می‌گوید من نمی‌خواهم در فوتسال تیمداری کنم. این سیاست درست نیست. وقتی می‌گویم ساختار تیم باید درست شود همین تفکرات است. نباید تیمی را تشکیل دهیم و بعد از مدت کوتاهی آن تیم را منحل کنیم چون دوستش نداریم. اینطوری هم باشگاه لطمه می‌خورد و هم بازیکنانی که در آن تیم فعالیت کرده‌اند.

اخیراً در صحبت‌های مدیرعامل باشگاه استقلال بارها به این نکته اشاره شده که تیم فوتسال استقلال باید دوباره شکل بگیرد. هیچ بعید نیست که چنین اتفاقی رخ دهد و استقلال دوباره در لیگ فوتسال بدرخشد.

این ایده بسیار خوبی است و من خوشحالم اما بازگشت استقلال به فوتسال باید آبرومندانه و با برنامه باشد. شأن چنین باشگاهی در بازگشت باید حفظ شود و نباید بی‌برنامه وارد لیگ شد.

گفته می‌شود یکی از گزینه‌های قطعی باشگاه استقلال برای سازماندهی تیم استقلال خواهی بود.

من همیشه چه در دوران بازی و چه در دورانی که مربیگری کردم کوشیده‌ام شأن خودم را حفظ کنم. همیشه ۳ برابر دیگر بازیکنان قرارداد می‌بستم چون می‌دانستم اگر من حد بالا بگیرم دیگر بازیکنان هم پول بیشتری گیرشان می‌آید. حتی قرارداد من روی دیگر باشگاه‌های فوتسال هم تأثیرگذار بود. اگر دیدگاه مالی این باشد و بخواهند شأن و شخصیت باشگاه استقلال در رشته فوتسال را حفظ کنند من هم هستم و کمک می‌کنم، اما اینکه بخواهند فقط تیم داشته باشند و فردا هم مدیری بیاید و فوتسال را منحل کند فایده ندارد. کسی که به‌عنوان متعهد و طرف قرارداد با شخص من دست می‌دهد نباید شل دست بدهد، بلکه توقع دارم محکم بایستد و طرح و برنامه درستی برای آینده داشته باشد.

چرا نگاهی دم‌دستی و درجه دوم به فوتسال وجود دارد و این ورزش را با همه افتخاراتی که برای ایران آفریده، اما در زمان عقد قرارداد و دیگر مسائل مالی چندان آن را تحویل نمی‌گیرند؟

دوستانی که در فدراسیون فوتبال بودند زمانی که برای اهدای جوایز بهترین‌های فوتبال و فوتسال آسیا به کوالالامپور می‌رفتند خودشان همیشه می‌گفتند اگر فوتسال نبود ما اصلاً نمی‌توانستیم روی سن برویم و فوتسال است که آبروی فدراسیون فوتبال ما را حفظ کرده، اما موقع هزینه کردن که می‌شود پول‌های هنگفت به یک مربی مثل ویلموتس می‌دهند و حاضر می‌شوند قراردادهای آنچنانی با این مربی ببندند اما برای همین فوتسال که چشم و چراغ فدراسیون فوتبال است و آبروداری می‌کند حاضر به خرج کردن نیستند. حمایت نباشد فایده ندارد و الان هم می‌گویم اگر قرار است استقلال به لیگ برتر فوتسال بیاید باید با آبرو باشد.